



A Comparative Study of the Semi-Decentralized Governance Model in Urban Management with an Emphasis on Political Devolution (Iran, Senegal)

Ahmadreza Mosaver¹, Mehraban Hadi peikany^{*2}, Akbar Etbarian³, Sahar Faeghei⁴

1- PhD student in Department of management, Isf.C.Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2- Assistant Professor in Department of management, Isf.C.Islamic Azad University, Isfahan, Iran

3- Professor in Department of management, Isf.C.Islamic Azad University, Isfahan, Iran

4- Assistant Professor in Department of management, Isf.C.Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract: In the urban governance paradigm, countries range across a spectrum from centralized to semi-centralized and decentralized models. The urban governance model in different countries is shaped by the framework of the governance system, the constitution, and development strategies. The present study first asks which model has been able to provide a more appropriate response to the contemporary needs of urban societies, and then conducts a comparative analysis of the implementation of the semi-centralized governance model in the urban management of Iran and Senegal, with an emphasis on the component of "political devolution." This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical and comparative in terms of method. Adopting a qualitative approach and utilizing the "systematic comparative method" and a systematic literature review, the required data were collected through library-documentary methods. Causal-explanatory data analysis was conducted within the framework of five indicators: governmental structure, legal framework, financial resources, popular participation, and efficiency. The findings indicate that Senegal, by establishing empowered local institutions and securing genuine citizen participation, has been more successful in institutionalizing the semi-centralized model. In contrast, Iran, despite the establishment of local institutions, faces serious challenges due to the persistence of a centralized political structure and structural limitations on civil society participation. Successful implementation of the semi-centralized model appears to require political will for genuine delegation of authority, an appropriate legal framework, and the strengthening of social capital. The conclusion is that effective political devolution necessitates clarity in defining authorities, ensuring sustainable resources, and establishing a robust mechanism of mutual accountability between central and local government. By drawing on Senegal's experiences in diversifying local revenue sources and increasing the legal powers of councils, Iran can take effective steps towards transitioning to efficient and accountable urban governance.

Key Words: Urban Governance, Semi-Centralized, Political Delegation, Urban Management.

مقایسه تطبیقی مدل حکمرانی نیمه متمرکز در مدیریت شهری با تأکید بر واسپاری سیاسی (ایران، سنگال)

احمد رضا مصور^۱، مهربان هادی پیکانی^{*۲}، اکبر اعتباریان^۳، سحر فائقی^۴

۱- دانشجوی دکتری گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲- استادیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳- استاد گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۴- استادیار گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

چکیده

در پارادایم حکمرانی شهری، کشورها در طیفی از مدل‌های متمرکز تا نیمه متمرکز و غیرمتمرکز قرار می‌گیرند. مدل حکمرانی شهری در کشورهای مختلف بر پایه چارچوب نظام حکمرانی و قانون اساسی و راهبردهای پیشرفت تنظیم می‌شود. در پژوهش حاضر، نخست اینکه کدام مدل توانسته است پاسخی مناسب‌تر به نیاز امروزی جوامع شهری ارائه دهد و سپس مقایسه تطبیقی اجرای مدل حکمرانی نیمه متمرکز در مدیریت شهری ایران و سنگال با تأکید بر مؤلفه «واسپاری سیاسی» انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی و از نوع تطبیقی است. با رویکردی کیفی و با استفاده از روش «مقایسه‌ای سیستم‌محور» و مرور سیستماتیک ادبیات، داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای-اسنادی گردآوری شد. تحلیل علی-تبیینی داده‌ها در چارچوب شاخص‌های پنج‌گانه ساختار حکومتی، چارچوب قانونی، منابع مالی، مشارکت مردمی و کارایی انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن است که سنگال با ایجاد نهادهای محلی توانمند و جلب مشارکت واقعی شهروندان، در نهادینه‌سازی مدل نیمه متمرکز موفق‌تر عمل کرده است. در مقابل، ایران با وجود تأسیس نهادهای محلی، به دلیل تداوم ساختار سیاسی متمرکز و محدودیت‌های ساختاری در مشارکت جامعه مدنی، با چالش‌های جدی مواجه است. به نظر می‌رسد اجرای موفق مدل نیمه متمرکز نیازمند اراده سیاسی برای واگذاری واقعی اختیارات، بستر قانونی مناسب و تقویت سرمایه اجتماعی است. نتیجه‌گیری این است که واسپاری سیاسی مؤثر نیازمند شفافیت در تعریف اختیارات، تضمین منابع پایدار و ایجاد یک مکانیسم قوی پاسخ‌گویی متقابل بین دولت مرکزی و محلی است. ایران می‌تواند با الگوبرداری از تجربیات سنگال در زمینه تنوع‌بخشی به منابع درآمدی محلی و افزایش اختیارات قانونی شوراهای محلی، گام‌هایی مؤثر در راستای گذار به سمت حکمرانی شهری کارآمد و پاسخ‌گو بردارد.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی شهری، نیمه متمرکز، واسپاری سیاسی، مدیریت شهری.

*** Corresponding Author:** Mehraban Hadi peikany

E-mail address: peykani@iau.ac.ir



2588-4867/ © 2025 University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

مقدمه

(Lay et al., 2023).

اهداف پژوهش

اساس این اهداف بر این پرسش‌ها متمرکز است که اولاً آیا شواهدی برای حرکت مدیریت شهری با رویکرد واسپاری سیاسی در دو کشور مورد مقایسه وجود دارد یا خیر، و دوماً نحوه کارکرد مدیریت شهری در دو کشور چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با هم دارد. سومین هدف آن است که معیارهای موفقیت یا عدم موفقیت این رویکرد را با شاخص‌هایی معین مشخص کنیم.

پیشینه و ادبیات پژوهش

الف) مبانی نظری

سه دوره متفاوت در موضوع حکمرانی قابل تشخیص هستند:

۱- حکمرانی متمرکز

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نظریه‌پردازان نوسازی استدلال می‌کردند دولت‌های متمرکز و قوی موتور محرک اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه هستند. گلداسمیت و پیچⁱⁱⁱ (۲۰۱۰) مدل بورکراتیک وبری قانونی را کارآمدترین شکل سازمان‌دهی می‌دانند.

۲- گذار از حکمرانی متمرکز به غیرمتمرکز و نیمه‌متمرکز:

در چارچوب‌های نوین از دهه ۱۹۸۰ به بعد، با ظهور پارادایم‌های جدید، موجی از انتقادات به مدل متمرکز وارد شد. و به دنبال آن، حکمرانی‌های غیرمتمرکز یا نیمه‌متمرکز در صدر توجهات دولت‌ها قرار گرفتند. مبانی نظری حکمرانی نیمه‌متمرکز ریشه در چند نظریه دارد:

۱-۲- نظریه تمرکززدایی

اوتس^{iv} (۱۹۷۲) مطرح کرد ارائه کالاها و خدمات عمومی توسط سطوح محلی که با ترجیحات متفاوت شهروندان خود هماهنگ است، نسبت به دولت مرکزی کارایی بیشتری دارد. با این حال، او بر نقش دولت مرکزی در تأمین کالاهای عمومی ملی و توزیع عادلانه درآمد تأکید کرد.

۲-۲- نظریه حکمرانی چندسطحی

این نظریه بر تعامل و همکاری سطوح مختلف حکومتی (فراملی، ملی، منطقه‌ای و محلی) تأکید دارد. در این چارچوب،

بیش از نیمی از جمعیت جهان شهرنشین هستند و تغییر سریع وضعیت بیشتر مناطق جهان به سوی شهرنشینی برخی از دولت‌ها را در سطح ملی و محلی با مشکلات متعدد روبه‌رو کرده است. فقر، نبود امکانات زیرساختی مانند آب‌رسانی، برق، بهداشت، مسکن، آموزش، تشدید آلودگی و تخریب منابع طبیعی، ترافیک، کاهش ایمنی و افزایش نارضایتی ساکنان شهرها فقط بخشی از چالش‌های پیش روی دولت‌هاست که برخی از آنها با توجه به ظرفیت‌های فنی و سیاسی خود به منظور ارائه خدمات دست به واسپاری سیاسیⁱ، اقتصادی و اداری اختیارات خود به بخش‌ها و نهادهای محلی می‌زنند که بر اساس مشاهدات عینی، دولت‌هایی که گام در این مسیر گذاشتند توانسته‌اند علاوه بر ارائه خدمات و توسعه و پیشرفت در شهرها، افزایش مشارکت و رضایت شهروندان را نیز کسب کنند (Yap, 2012).

بحث واگذاری اختیارات و وظایف دستگاه‌های دولتی به نهادهای محلی و شهرداری‌ها و شکل‌گیری حکمرانی محلی راهی است که بسیاری از کشورها برای کاهش بار حکومت مرکزی و دولت و ایجاد رضایتمندی و توسعه و پیشرفت شهرها در پیش گرفتند (اکبری، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۶).

مطالعاتی که درباره تأثیر تمرکززدایی در توسعه کشورهایمانند هند، مکزیک، روسیه، کره جنوبی و برزیل از سوی سازمان توسعه جهانیⁱⁱ در سال ۱۹۹۶ منتشر شده‌اند، نشان می‌دهند دولت‌ها برای ایجاد توسعه پایدار و تسهیل در امور حکمرانی در شهرها و تحقق رضایت مردمان کشور خود، راهی جز افزایش هم‌افزایی و مشارکت امور خود با بازیگرانی همچون نهادهای مدنی و شوراهای شهرداری‌ها ندارند و به ویژه در کشورهایی که مرزهای طبقه‌ای، نژادی، قومیتی، جنسیتی، سیاسی و مذهبی متعدد وجود دارند، لازم است برای ایجاد یک ائتلاف پایدار، اولاً حکمرانی محلی را به رسمیت بشمرند و دوماً، تعاملی سازنده با بازیگران محلی ایجاد کنند (Evans, 1996, pp. 32).

برای تحقق مدل مناسب برای مدیریت شهری، توسعه نهادهای نیمه‌مستقل از سوی دولت‌های مرکزی که خدمات مستقیم به جامعه ارائه می‌دهند و ایجاد یک نهاد نظارتی مستقل و عاری از نفوذ قوه مجریه و مقننه از ضروریات حرکت به سمت مدل نیمه‌متمرکز در مدیریت شهری محسوب می‌شود (Raga

اجرا، نظارت و کنترل است که برای نیل به اهداف عملیاتی خاص در سطح جوامع شهری تنظیم شده است (Van Dijk, 2006).

لازم به توضیح است، تفاوت مهم حکمرانی شهری و مدیریت شهری آن است که حکمرانی شهری به عنوان یک نوع حکومت محلی شامل شورای شهر به عنوان نهاد قانون‌گذار و شهرداری و دستگاه‌های اجرایی به عنوان مسئولان شهر در اداره خدمت‌رسانی و نهاد مجری است و مشروعیت آن یا با تفویض اختیار از سوی مراجع بالاتر غیرمستقیم یا به صورت مستقیم و مستقل صورت می‌پذیرد و عمدتاً در حوزه حاکمیت سیاسی است، اما مدیریت شهری اجرایی است و مجری تصمیم‌های نهادهای حاکمیتی، چندهدفی و میان‌بخشی است و ممکن است بر اساس قوانین بتواند تصمیم‌ساز یا سیاست‌گذار باشد و در اجرا مشارکت کند و نظارت وظایفی را به عهده داشته باشد (پرهیزکار و فیروزبخت، ۱۳۹۰، ص. ۴۹).

فاکت vi (۲۰۱۴) واسپاری یا عدم تمرکز سیاسی را در چهار محور توسعه پاسخ‌گویی، کاهش سوءاستفاده از قدرت، توسعه ثبات سیاسی و افزایش رقابت‌های سیاسی توضیح می‌دهد و **لکونا viii (۲۰۱۲)** تمرکززدایی را با فرایند واگذاری قدرت و اقتدار به حکومت‌های منطقه‌ای و محلی همراه با تغییر ساختار پاسخ‌گویی از سطح ملی به سطح مادون ملی، تشویق اثربخشی و نمایندگی حکومت، نوآوری‌های نهادی و فناوری ارتقای پاسخ‌گویی عمومی و کنترل فساد تعریف می‌کند.

شاه ix (۲۰۰۶) مطرح می‌کند تمرکزگرایی دارای مزایایی همچون یکپارچگی و هماهنگی بیشتر، کنترل و نظارت بهتر، کاهش فساد محلی و پاسخ‌گویی سریع‌تر در بحران‌هاست، اما در مقابل، کاهش مشارکت محلی، عدم تطبیق با نیازهای محلی و بوروکراسی و کندی تصمیم‌گیری را به عنوان معایب به همراه دارد. **رودن x (۲۰۰۴)** بیان کرده است در این سیستم، بودجه‌های محلی عمدتاً توسط دولت مرکزی تخصیص داده می‌شود و نهادهای محلی در تخصیص و مدیریت منابع مالی خود آزادی عمل چندانی ندارند. این موضوع ممکن است باعث عدم تطابق بودجه‌ها با نیازها و اولویت‌های محلی شود.

فورو ساوا و کونیشی xi (۲۰۰۸) تمرکززدایی را تفویض اختیار و قدرت در زمینه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و اعمال کنترل می‌دانند و **کازیا xi (۲۰۰۵)** آن را وسیله‌ای برای ارتقای

حکمرانی نیمه متمرکز به معنای شبکه‌ای از نهادها و روابط است که در آن قدرت به اشتراک گذاشته می‌شود و تصمیم‌ها به صورت مشترک اتخاذ می‌شوند (Hooghe & Marks, 2021).

۲-۳- نظریه فدرالیسم و خودگردانی محلی

نظریه پردازان فدرالیسم بر تقسیم قدرت اساسی و حاکمیت مشترک بین دولت مرکزی و واحدهای تشکیلاتی تأکید دارند (Faguet, 2014).

۲-۴- نظریه نهادگرایی

نهادگرایان بر اهمیت نهادهای رسمی و غیررسمی در تعیین نتایج اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کنند. از این نظر، حکمرانی نیمه متمرکز یک ترتیب نهادی است که موفقیت آن به کیفیت نهادهای محلی، شفافیت، حاکمیت قانون و ظرفیت بوروکراسی‌های محلی بستگی دارد (Williamson, 2010).

۲-۵- نظریه حکمرانی خوب

حکمرانی خوب مدلی متشکل از مؤلفه‌هایی مانند پاسخ‌گویی، مشارکت، شفافیت، اثربخشی و کارایی است که در سال‌های اخیر مطرح شده و در برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۷ به آن توصیه شده است (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲).

ب) مطالعات و مفاهیم

حکمرانی شهری مفهومی شامل حکام رسمی و نهادهایی مانند شهرداری و شوراها در کنار شبکه‌های ارائه خدمات عمومی محلی برای ارتقای سطح کیفی زندگی، توسعه محلی، پایداری شهری و زیست محیطی، افزایش بازدهی مولد اقتصادی، ارتقای قدرت رقابت و مشارکت، تثبیت یکپارچگی اجتماعی و فرهنگی است (موسوی شفاپی و همکاران، ۱۴۰۰).

مدیریت شهری اعمال مسئولیت ذاتی در مفهوم مدیریت و تمرکز بر انجام وظایف مدیریتی برای بهبود کارایی شهری است. **باچلیا^v (۲۰۱۱)** و **متینگلی^{vi} (۱۹۹۴)** مدیریت شهری را به عنوان اصلاح اداره شهر می‌دانند که هدف آن برقراری تعادل بین توسعه اجتماعی و اقتصادی است. مدیریت شهری فرایندی از مسئولیت‌ها و اقدامات مرتبط شامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی،

مطلوب را مقاومت سطوح قدرت فعلی دانسته‌اند.

کشوردوست و احمدی (۱۴۰۰) در مقاله واکاوی موانع و چالش‌های تحقق تمرکززدایی در چارچوب شوراهای اسلامی در جمهوری اسلامی، مولنغ و چالش‌های پیش روی تحقق تمرکززدایی در ایران و در حوزه حکمرانی محلی را بررسی کردند و مهم‌ترین مانع را نبود مدیریت یکپارچه شهری، اقتصاد رانتی و فقدان اختیارات لازم شوراها دانستند.

معلمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر توانمندی حکومت‌های محلی بر اجرای سیاست‌های تمرکززدایی»، بیان کرد موفقیت این الگو در ایران مستلزم بازتعریف رابطه مالی دولت مرکزی و استانی و تقویت نهادهای نظارتی مستقل است.

اکبری (۱۳۸۵) در مقاله «سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری»، وضعیت حکمرانی محلی در کشورهای جهان سوم و حرکت آنها به سمت واگذاری اختیارات دولت‌ها در پی افزایش نارضایتی‌های اجتماعی و عدم تحقق توسعه اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی را مطالعه و ارزیابی و مدل حکمرانی خوب شهر را با اشاره غیرمستقیم به موضوع تمرکززدایی سیاسی، مالی و اداری اختیارات دولت‌ها به شهرداری‌ها و حکومت‌های محلی معرفی کرده است.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد مفهوم حکمرانی نیمه‌متمرکز از پشتوانه نظری لازم در اقتصاد و علوم سیاسی برخوردار است و تجربیات بین‌المللی مزایای بالقوه آن در افزایش کارایی و پاسخ‌گویی را تأیید می‌کنند. با این حال، چالش اجرایی به ویژه در کشورهای در حال توسعه نقطه تعادل بین این دو و سطح واسطه‌پاری است؛ به این معنا که حاکمیت ملی و سیاست‌گذاری کلان در سطح مرکزی باقی می‌ماند، اما اجرا، مدیریت و حتی طراحی بسیاری از سیاست‌ها در حوزه‌های خاص (مانند مدیریت شهری) می‌تواند به نهادهای محلی واگذار شود. و در زمینه پژوهش‌های داخلی، اگرچه مطالعاتی ارزشمند انجام شده‌اند، بیشتر سیاست‌های کلان را بیان و تحلیل کرده‌اند و به اصل موضوع ورودی نکرده‌اند.

روش پژوهش

روش پژوهش به تناسب نوع پژوهش دارای دسته‌بندی‌هایی متفاوت است، اما فصل مشترک همه آنها سه دسته پژوهش

فرهنگ سیاسی، اقتصادی، مدنی، مدیریتی و اداری حکمرانی خوب دانسته است.

تراکم‌گرایی^{xiii} و تراکم‌زدایی^{xiv} دارای دو وجه کاملاً متمایز هستند: تفرق قدرت عمودی میان بالاترین سطح دولتی با سطوح پایین‌تر و پراکنش قدرت به صورت افقی میان سطوح پایین‌تر اعضای دولتی. عمده بررسی‌ها در زمینه تمرکززدایی بر جنبه نخست آن تمرکز دارند و از طریق محاسباتی همچون سهم مخارج دولت‌های محلی به نسبت دولت مرکزی برای تعیین درجه تمرکززدایی انجام می‌شوند (Stansel, 2005). یک رویکرد جایگزین متمرکزشدن بر جنبه دوم تمرکززدایی است که شامل بررسی سطح پراکندگی افقی قدرت در میان اعضای دولت محلی است و باقرنژاد و نیکبخت (۱۴۰۴) می‌گویند در ایران هم این الگو فعلاً به صورت تراکم‌گرایی و رابطه عمودی عناصر مدیریت شهری با دولت وجود دارد.

راگالی^{xv} و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «احیای حکومت محلی خوب از طریق استراتژی تقویت دولت محلی»، مؤلفه‌های اثرگذار در حکومت‌های محلی را با تأکید بر تفویض اختیارات و واگذاری وظایف دولت مرکزی به حکومت محلی و تقویت چارچوب‌های اداری و مالی و توانمندسازی نیروهای محلی در راستای ارائه بهتر خدمات به جامعه پیرامونی خود بررسی کرده‌اند. **تانزی^{xvi} (۱۹۹۶)** در مقاله «تمرکززدایی مالی و بازده دولت»، چالش‌های تمرکززدایی، از جمله خطر افزایش ناکارایی، فساد محلی و نابرابری منطقه‌ای را بررسی و بر ضرورت طراحی دقیق نظام مالیاتی و انتقالی در حکمرانی نیمه‌متمرکز تأکید کرد. **رودریگز-پوز و ازکورا^{xvii} (۲۰۱۰)** در مطالعه خود رابطه بین تمرکززدایی و رشد منطقه‌ای را بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد تمرکززدایی فقط در صورتی به رشد متوازن منطقه‌ای منجر می‌شود که همراه با ظرفیت‌سازی نهادی در سطح محلی باشد.

شاه (۲۰۰۶) در گزارشی برای بانک جهانی، چارچوبی برای اجرای موفق حکمرانی نیمه‌متمرکز ارائه و بر عناصری مانند شفافیت، پاسخ‌گویی و نظارت مؤثر دولت مرکزی تأکید کرد.

برکپور و اسدی (۱۴۰۱) در مقاله خود به تفصیل شرایط لازم و مهم برای نیل به مدیریت یکپارچه شهری و اصول لازم تمرکززدایی را بررسی کرده‌اند و یکی از دلایل عدم نیل به نتیجه

تأکید می‌کند در تحلیل محتوای کیفی، توجه پژوهشگر به دریافت درک صحیح و عمیق از داده‌های به‌دست‌آمده است.

تحلیل مقایسه‌ای سیستم‌محور: ریگین (۱۴۰۲) بر روش مقایسه تطبیقی بین پدیده‌های مورد مطالعه تأکید می‌کند.

تحلیل نهایی با رویکرد تبیینی-علی انجام شد تا نه فقط شباهت‌ها و تفاوت‌ها توصیف شوند، بلکه ریشه‌ها و علل این تفاوت‌ها در بستر تاریخی، سیاسی و اقتصادی هر دو کشور روشن شوند.

گفتنی است، روش پژوهش مقایسه تطبیقی یکی از روش‌های اصلی در حوزه‌های علوم اجتماعی محسوب می‌شود که مبتنی بر مقایسه برای فهم شباهت و تفاوت در و تفاوت در مفاهیم است. روش مقایسه تطبیقی در علوم به صورت نظام‌مند تلاش می‌کند تا با ارائه مدارک تجربی و واقعیت‌های عینی، مبانی کلان، میانی و خرد را مقایسه کند و با بزرگ‌شدن موارد مقایسه و سنگین‌شدن وزن مفاهیم، برای اثبات یک روند بکوشد (فلیک، ۱۳۸۷).

یافته‌های پژوهش

می‌توان از خلال مطالعات و بررسی‌ها برای مفهوم واسپاری سیاسی در مدیریت شهری، مدلی به شرح جدول (۱) ارائه داد:

جدول ۱- مدل مدیریت شهری نیمه متمرکز با تأکید بر واسپاری سیاسی

دسته‌بندی متغیر	مدل متغیر	نقش در مدل	جهت رابطه با واسپاری سیاسی	متغیر وابسته مرتبط
متغیر مستقل	واسپاری سیاسی	عامل اصلی تغییر	خود متغیر است	حکمرانی نیمه متمرکز
متغیر وابسته	حکمرانی نیمه متمرکز کارا و اثربخش	هدف نهایی سیستم	نتیجه مستقیم/غیرمستقیم	
تعدیل‌گر	ثبات سیاسی و اراده ملی	تداوم‌دهنده تسهیل‌کننده	مثبت و ثبات واسپاری را تضمین می‌کند	واسپاری سیاسی
تعدیل‌گر	سطح توسعه اقتصادی اجتماعی		مثبت و زیرساخت لازم برای ظرفیت نهادی را تأمین می‌کند	ظرفیت نهادی
تعدیل‌گر	بافت سیاسی فرهنگی کلان کشور	محدودکننده تسهیل‌کننده	دوگانه و بر مقاومت در برابر تمرکززدایی تأثیر می‌گذارد	مشارکت شهروندی
میانجی نهادی ۱	اختیارات تفویض‌شده قانونی و مالی	ابزار اصلی تفویض	مثبت: افزایش دامنه اختیارات	کارآمدی/اثربخشی
میانجی نهادی ۲	ظرفیت نهادی برای اجرا	توان اجرایی	مثبت: عاملی که اختیارات را قابل اجرا می‌کند	کارآمدی/اثربخشی
میانجی کنش‌گری ۳	مشارکت شهروندی	عامل نظارتی/فشار عمومی	مثبت: افزایش پاسخ‌گویی نهادها	چارچوب‌های پاسخ‌گویی
شاخص کارآمدی	سرعت صدور مجوز و کاهش هزینه	معیار سنجش عملکرد عملیاتی	نتیجه اجرای موفق	حکمرانی کارآمد
شاخص اثربخشی	افزایش رضایت شهروندان	معیار سنجش مقبولیت	نتیجه نهایی مطلوب	حکمرانی کارآمد

بنیادی، پژوهش کاربردی و پژوهش عملی/توسعه‌ای است (سرمرد و همکاران، ۱۴۰۱) و به تبع آن، جامعه آماری و روش گردآوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده نیز معلوم می‌شود (کرسول، ۱۳۹۱).

هدف پژوهش: این پژوهش دارای هدفی کاربردی است. جامعه آماری: جامعه آماری در این نوع پژوهش می‌تواند اسناد و منابع کتابخانه‌ای باشد (سرای، ۱۴۰۰)؛ از این رو، کلیه اسناد، قوانین، گزارش‌های عملکردی و مطالعات علمی مرتبط با نظام مدیریت و حکمرانی شهری در دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری سنگال مورد استفاده بوده‌اند.

روش گردآوری: داده‌های مورد نیاز که توصیفی-تحلیلی و از نوع تطبیقی هستند، از طریق بررسی اسناد گردآوری شده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده: از دو روش به صورت تلفیقی استفاده شده است:

تحلیل محتوای کیفی: متون و اسناد گردآوری‌شده با استفاده از این روش به طور عمیق مطالعه شدند. مفاهیم کلیدی، سیاست‌ها، چارچوب‌های قانونی و چالش‌های پیش رو در هر یک از دو کشور استخراج و دسته‌بندی شدند. بلیکی (۱۳۹۵)

مدیریت شهری در ایران با رویکرد عدم تمرکز، به معنای توزیع اختیارات و ارائه خدمات به مردم در سطح محلی، منطبق با اصول دموکراسی محلی است.

تاریخچه مدیریت شهری در ایران را می‌توان به دوران‌های مختلف تقسیم کرد. قبل از انقلاب (۱۲۹۹-۱۳۵۷) مدیریت شهری به صورت متمرکز توسط دولت مرکزی انجام می‌شد. شهرداری‌ها تحت نظارت وزارت کشور بودند و قدرت تصمیم‌گیری محدودی داشتند (کریمی، ۱۴۰۳). با انقلاب اسلامی، بر پایه اصول دموکراسی محلی، تغییراتی بزرگ در ساختار مدیریت شهری رخ داد. با تأسیس شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۷۶ و با ابلاغ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، ۱۳۷۵)، مسیری برای تقویت مدیریت شهری با رویکرد عدم تمرکز فراهم شد، اگرچه این شوراها عملکردی مطلوب از خود نشان ندادند (اشتریان و کریمی فرد، ۱۳۹۵). در دوره ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، اصلاحاتی عمده در مدیریت شهری انجام شد، از جمله تأسیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در سال ۱۳۶۸. این سازمان به عنوان نهاد هماهنگ‌کننده و پشتیبان شهرداری‌ها ایجاد شد و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مقررات قانون نوسازی و عمران شهری (مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، ۱۳۵۸) اختیارات شهرداری‌ها را افزایش داد و نظام بودجه‌ریزی مشارکتی را معرفی کرد و در قانون مدیریت خدمات کشوری (مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، ۱۳۸۶) تثبیت عدم تمرکز انجام شد و شهرداری‌ها به عنوان نهادهای محلی با اختیار تصمیم‌گیری در امور شهری شناخته و شوراهای شهر به عنوان نهادهای نمایندگی مردم در مدیریت شهری راه‌اندازی شدند و در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) (مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی، ۱۳۸۹) و نیز در اصلاحات اخیر (۱۳۹۰ تا کنون) اختیارات شهرداری‌ها در امور زیست‌محیطی و ترافیک گسترش یافت و تکامل نظام بودجه‌ریزی مشارکتی تقویت شد.

مؤلفه‌های مدیریت شهری در ایران اساساً مبتنی بر عدم تمرکز هستند، اما اجرای مؤثر آنها با چالش‌هایی مواجه است. همچنین، تمرکززدایی در مدیریت شهری یکی از اصول مهم در این زمینه است که به معنای توزیع اختیارات و برنامه‌ریزی در سطح محلی

ملاحظه می‌شود متغیر مستقل محور واسپاری سیاسی است و این سازه به فرایند محول کردن اختیارات و مسئولیت‌های سیاسی و تصمیم‌گیری از سوی دولت مرکزی به نهادهای منتخب محلی (شوراهای شهر و شهرداری) اشاره دارد، بدون آنکه حاکمیت ملی به طور کامل منتقل شود. متغیر وابسته حکمرانی نیمه‌متمرکز کارآمد و اثربخش است و متغیرهای تعدیل‌گر با تأکید بر ثبات سیاسی و اراده ملی برای تفویض اختیار، سطح توسعه اجتماعی-اقتصادی محلی و بافت سیاسی-فرهنگی کلان کشور است و شاخص‌هایی که آن را برجسته می‌کنند میزان اختیار شورای شهر در تصویب طرح‌های جامع و تفصیلی محلی بدون نیاز به تأیید نهادهای بالادست، اختیار شهرداری در انعقاد قراردادهای بزرگ اقتصادی و عمرانی بدون محدودیت‌های شدید دولتی و توانایی نهاد محلی در تعیین و وصول عوارض و مالیات‌های محلی با کمترین مداخله مرکز خواهند بود.

سازه‌های میانی به دو دسته سازه‌های نهادی (اختیارات تفویض‌شده قانونی و مالی، ظرفیت نهادی اجرا و چارچوب‌های پاسخ‌گویی) و سازه‌های کنش‌گری (مشارکت شهروندی، رقابت‌های سیاسی، تحول در شبکه ذی‌نفعان، شاخص‌های کارآمدی و اثربخشی) تقسیم می‌شوند.

از این رو، پس از استخراج داده‌های کیفی، این داده‌ها در چارچوب تحلیل تطبیقی قرار گرفتند. برای این منظور، شاخص‌های مقایسه‌ای اصلی به ترتیب زیر مشخص شدند: ساختار حکومتی و اداری، نظام سیاسی، جایگاه نهادهای محلی در سلسله‌مراتب حکومتی.

۱. چارچوب قانونی و سیاستی: قوانین مربوط به تمرکززدایی، واسپاری سیاسی و اختیارات شوراها و شهرداری‌ها
۲. منابع مالی و اقتصادی: منابع درآمدی نهادهای محلی، استقلال مالی، وابستگی به دولت مرکزی

۳. میزان و کیفیت مشارکت مردمی و جامعه مدنی: مکانیسم‌های مشارکت، انتخاب مستقیم یا غیرمستقیم مسئولان محلی

۴. کارایی و عملکرد: موفقیت در اجرای پروژه‌های کلان شهری، پاسخ‌گویی به نیازهای محلی

و بر اساس آنها، می‌توان دو کشور را با هم مقایسه کرد.

الف) مدل مدیریت شهری در ایران

است. با این حال، بر اساس بررسی‌ها و پژوهش‌ها، از جمله **لطیفی (۱۳۸۳)**، هنوز چالش‌هایی در این زمینه وجود دارند و به تلاش‌های بیشتری برای تحقق کامل این اصل در ساختار مدیریت شهری ایران نیاز است. شوراها و شهرداری‌ها در ایران دارای شرایط حاکمیت بر اداره امور محلی خود نیستند و ساختار حقوقی و اداری در ایران متمرکز و روند شکل‌گیری و اختیارات قانونی شوراها و شهرداری‌ها از طرف دولت مرکزی و از بالا به پایین است (**احتشامی، ۱۳۷۸، ص. ۶۱**).

حرکت به سمت رویکرد نیمه‌متمرکز برای ظرفیت‌سازی و هماهنگی ملی برای توسعه ظرفیت‌های شهرداری‌ها و استان‌ها در مدیریت شهری پایدار از طریق تخصیص منابع، آموزش و مشاوره امکان‌پذیر است. این رویکرد تعادل بین خودمختاری شهرداری‌ها و هماهنگی ملی را برقرار می‌کند، ظرفیت‌های ملی و محلی را تقویت می‌کند، ریسک‌ها را مدیریت می‌کند و بهره‌وری از تجربه‌ها و منابع را افزایش می‌دهد. با اتخاذ این رویکرد، مدیریت شهری در ایران می‌تواند به کارایی، اثربخشی و پایداری بیشتری دست یابد (**رمضانی قوام آبادی و همکاران، ۱۳۹۸**).

ب) مدل مدیریت شهری در سنگال

مدیریت شهری در سنگال به طور گسترده تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. سنگال به عنوان یک کشور در آفریقای غربی، تجربه‌ای طولانی و متنوع از مدیریت شهری دارد (**African Development Bank Group, 2022**). این امر در سنگال به طور اولیه تحت تأثیر امپراتوری Wolof بود که در قرن ۱۳ تا ۱۹ میلادی وجود داشت. این امپراتوری یک دولت قدرتمند در غرب آفریقا بود و سیستم مدیریت شهری در این دوره به طور کلی بر اساس ساختار سلسله‌مراتبی بود، که King یا Emperor به عنوان بالاترین مدیر شهری و سیاسی قدرت مطلق را در دست داشت. در واقع، در دوره پیش از استعمار، جوامع سنتی در سنگال با ساختارهای حکومتی محلی خود اداره می‌شدند (**Inikori, 1977**). این ساختارها عمدتاً مبتنی بر رهبری سنتی و شوراهای بزرگان بودند که مسئولیت مدیریت امور محلی را به عهده داشتند.

در دوره استعمار (قرن ۱۹ تا ۱۹۶۰)، فرانسه به طور رسمی در سال ۱۸۵۷ مدیریت شهری سنگال را در دست گرفت. سیستم مدیریت شهری در این دوره بر اساس مدل فرانسوی بود که شامل

تقسیمات اداری، سیستم‌های مالی و اداری، و نظام‌های آموزش و پرورش بود. این سیستم مدیریت شهری تحت تأثیر قانون فرانسه و به طور کلی بر اساس مدل فرانسوی بود (**Barry, 2001**). شهرهایی مانند داکار به عنوان مراکز اداری و تجاری توسعه یافتند و مدیریت شهری در این دوره به شدت متمرکز بود و توسط مقامات فرانسوی کنترل می‌شد و مشارکت مردم محلی در تصمیم‌گیری‌های شهری محدود بود. در سال ۱۹۶۰، سنگال استقلال خود را از فرانسه دریافت و سیستم مدیریت شهری در سنگال تغییر کرد. در سال ۱۹۷۰، سنگال به جمهوری تبدیل شد و رئیس‌جمهور به عنوان بالاترین مدیر شهری و سیاسی انتخاب شد. این سیستم مدیریت شهری تحت تأثیر قانون جمهوری و مدل سنیگالی قرار گرفت (**Ndiaye, 2012**). سیستم مدیریت شهری در این دوره بر اساس قانون اساسی سنگال و برنامه‌های توسعه ملی در سنگال، روند تمرکززدایی خیلی زود با ایجاد جوامع روستایی در سال ۱۹۷۲ آغاز شد و در سال ۲۰۱۳، این کشور علاوه بر ۱۲۶ بخش شهری، ۳۸۴ دولت محلی داشت. در رأس دولت محلی، رئیس جامعه شهری قرار دارد که در سراسر کشور به آن "PCR" می‌گویند. رقابت چندحزبی فقط در پی اصلاحات تمرکززدایی در سال ۱۹۹۶ به وجود آمد که به جوامع شهری خودمختاری قابل ملاحظه‌ای داد. شوراهای شهری همچنین باید با رؤسای شهرهای کوچک و روستاها در ارتباط باشند که به عنوان نماینده پایین‌ترین واحد در ایالت غیرمتمرکز کار می‌کنند. رؤسای شوراها در این شهرها خود را نماینده رئیس‌جمهور در سطح محلی معرفی می‌کنند و اگرچه تحت اقتدار دولت مرکزی نیستند، به عنوان بازوی دولت مرکزی برای رشد و توسعه تلاش می‌کنند (**Bardhan, 2002**). این سیستم با هدف انتقال قدرت و مسئولیت از دولت مرکزی به نهادهای محلی، بهبود خدمات عمومی و افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی طراحی شده است.

نهادهای کلیدی در مدیریت شهری شامل شورای منطقه‌ای^{xviii} است که مسئولیت تدوین برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، مدیریت منابع طبیعی منطقه، ساخت و نگهداری زیرساخت‌های منطقه‌ای (مانند جاده‌ها و مدارس) و ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی در سطح منطقه را به عهده دارد؛ شورای بخش^{xi} که مسئول برنامه‌ریزی و توسعه در سطح بخش،

کشور ایران و سنگال با محوریت موضوع واسپاری سیاسی و تمرکززدایی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی قابل تأمل است. در **جدول (۲)** اشتراکات آنها را بررسی کرده‌ایم.

و در برابر این اشتراکات، تفاوت‌هایی نیز وجود دارند که در مقایسه تطبیقی باید مدنظر واقع شوند که این موارد در **جدول (۳)** آورده شده‌اند.

جدول ۲- مقایسه تطبیقی ایران و سنگال (اشتراکات)

اشتراکات	ایران و سنگال
وجود نهادهای منتخب محلی	هر دو کشور دارای نهادهای منتخب محلی (شوراها) هستند که در تصمیم‌گیری‌های شهری نقش دارند. در هر دو کشور، مردم به صندوق‌های رأی می‌روند تا نمایندگان محلی خود را انتخاب کنند که نشان‌دهنده نقش مشارکت مردم در مدیریت شهری است.
نقش حکومت	حکومت در ایران و سنگال به طور رسمی در تصمیم‌گیری‌های شهری و سیاسی نقش دارد.
نقش شورا	شوراها در ایران و سنگال به طور رسمی در تصمیم‌گیری‌های شهری و سیاسی نقش دارند.
اهداف اصلی	هدف اصلی مدل مدیریت شهری در ایران و سنگال به طور رسمی توسعه اقتصادی و اجتماعی است.
راهبرد	راهبرد مدل مدیریت شهری در ایران و سنگال به طور رسمی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش و نظام‌های بهداشت و درمان است.
توسعه محلی	هر دو کشور بر توسعه اقتصادی و اجتماعی محلی تأکید دارند و برای دستیابی به این هدف از ابزارهایی مختلف از جمله برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند. در هر دو کشور، برنامه‌هایی برای بهبود زیرساخت‌های شهری مانند حمل‌ونقل عمومی، آب و فاضلاب و فضای سبز وجود دارند. این تلاش‌ها معمولاً با همکاری‌های بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی همراه است.
ساختار متمرکز	هر دو کشور ایران و سنگال دارای سیستم‌های متمرکز هستند که در آنها، دولت مرکزی نقشی مهم در تعیین سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری ایفا می‌کند. اگرچه در هر دو کشور تلاش‌هایی برای تمرکززدایی انجام شده است، هنوز هم دولت مرکزی نفوذی قابل ملاحظه دارد.
مواجهه با چالش‌های مشابه	هر دو کشور با چالش‌هایی مانند کمبود منابع مالی، فساد اداری و نیاز به تقویت ظرفیت نهادهای محلی مواجه هستند. هر دو کشور با چالش‌هایی مشابه مانند رشد سریع جمعیت شهری، مشکلات زیرساختی، ترافیک، آلودگی هوا و مدیریت پسماند روبرو هستند.

مدیریت زیرساخت‌های محلی و ارائه خدمات اجتماعی است؛ شورای کمون^{xx} که مسئول ارائه خدمات عمومی در سطح کمون، از جمله جمع‌آوری زباله، تأمین آب و برق، مدیریت بازارها و فضاهای سبز و برنامه‌ریزی شهری است و شهردار^{xxi} رئیس شورای کمون و مسئول اجرای تصمیم‌های شورا است. اگرچه سیستم تمرکززدایی به نهادهای محلی قدرت و مسئولیت بیشتری داده است، دولت مرکزی همچنان نقشی مهم در مدیریت شهری ایفا می‌کند (UCLG Africa, 2022) این نقش شامل موارد زیر است: تعیین سیاست‌های کلی در زمینه‌های مختلف از جمله توسعه شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مدیریت منابع مالی، نظارت و ارزیابی بر عملکرد نهادهای محلی و تأمین مالی.

رشد سریع جمعیت شهری، فقر و نابرابری در مناطق شهری به ویژه در محله‌های فقیرنشین، کمبود منابع مالی، عدم ظرفیت کافی و تغییرات آب‌وهوایی از چالش‌های مدیریت شهری در سنگال هستند (UNDP, 2011). در سال‌های اخیر، دولت سنگال اصلاحاتی جدید را برای بهبود مدیریت شهری آغاز کرده است که این اصلاحات شامل تمرکززدایی بیشتر، افزایش منابع مالی، بهبود ظرفیت مدیریت شهری، تقویت نهادهای محلی و مشارکت بیشتر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری هستند (Farvacque-Vitkovic & Godin, 2000). همچنین، برنامه مدیریت یکپارچه منابع آب^{xxii} با هدف مدیریت پایدار منابع آب در مناطق روستایی سنگال اجرا می‌شود (Farvacque-Vitkovic & Godin, 2000)، و با تقویت ظرفیت نهادهای محلی و مشارکت جوامع محلی در مدیریت منابع آب، به حفظ این منابع و تأمین آب برای کشاورزی و مصارف خانگی کمک می‌کند. همچنین، پروژه بهبود حکمرانی شهری در داکار^{xxiii} با هدف بهبود حکمرانی شهری در داکار، پایتخت سنگال، اجرا می‌شود که با تقویت ظرفیت شهرداری داکار و ترویج مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری، به بهبود ارائه خدمات عمومی و توسعه شهری پایدار کمک می‌کند (Farvacque-Vitkovic & Godin, 2000). این سه پروژه بخشی از موفقیت‌های اجرای مدل مدیریت شهری نیمه‌متمرکز در سنگال است (United Nations, 2017).

بحث و تحلیل

همان‌گونه که شرح داده شد، مدل مدیریت شهری در دو

جدول ۳- مقایسه تطبیقی ایران و سنگال (تفاوت‌ها)

شاخص‌ها	ایران	سنگال
ساختار حکومتی و سیاسی و اداری	ساختار سیاسی متمرکز و مدیریت شهری تحت نظارت وزارت کشور مدل مدیریت شهری سیستم اداری ملی	نظام چندحزبی و جمهوری نیمه‌ریاستی مدل مدیریت شهری سیستم اداری ملی و سیستم اداری شهری
ساختار مدیریت شهری (شوراها و شهرداری)	مدل مدیریت شهری متمرکز و بر اساس حاکمیت و شورای شهر و شهرداری شوراهای اسلامی شهر و روستا نهادهای منتخب محلی هستند که در تصمیم‌گیری‌های شهری نقش دارند، اما اختیارات آنها محدود است و تحت نظارت دولت مرکزی هستند. شهرداری به طور رسمی تحت مدیریت شورای شهر قرار دارد و بیشتر به عنوان مجری برنامه‌های دولتی فعالیت می‌کند و اختیاراتی محدود در تصمیم‌گیری‌های مستقل دارد. شهردار منتخب اعضای شورای اسلامی شهر است.	مدل مدیریت شهری بر اساس حاکمیت و شورای ملی برای مدیریت شهری و شهرداری شوراها، تحت مدیریت رسمی حاکمیت و شامل شوراهای منطقه‌ای، بخشی و کمون‌ها، نهادهای منتخب محلی هستند که اختیاراتی گسترده‌تر در مدیریت امور شهری دارند و از استقلال بیشتری برخوردار هستند. شهرداری به طور رسمی تحت مدیریت شورای ملی برای مدیریت شهری قرار دارد و شهرداری‌ها اختیارات بیشتری در تصمیم‌گیری‌های محلی دارند. شهردار منتخب مردم بر اساس انتخابات محلی است.
چارچوب قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران	قانون‌گذاری در سطح ملی توسط پارلمان که با اصلاحات دکوپلمان، قدرت بیشتری به مقامات محلی داده شده است.
سیستم برنامه‌ریزی و توسعه	برنامه‌ریزی از بالا به پایین با نقش پررنگ دولت مرکزی	برنامه‌ریزی مشارکتی با نقش بیشتر نهادهای محلی و شهروندان،
منابع مالی و اقتصادی	درآمدهای نفتی و وابستگی شهرداری‌ها به درآمدهای دولتی، نوسانات درآمد، تحریم‌های بین‌المللی، اخذ مالیات و عوارض محلی	منابع مالی متنوع‌تر نهادهای محلی از جمله مالیات‌های محلی، کمک‌های دولتی و کمک‌های بین‌المللی، اقتصاد متکی به کشاورزی و خدمات، جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی
مشارکت مردمی و جامعه مدنی	مشارکت مردم از طریق انتخابات شوراهای محدودیت مشارکت مردمی در مدیریت شهری بیشتر تصمیم‌ها توسط نهادهای دولتی گرفته می‌شوند. انجام فعالیت‌های مردمی و تلاش‌های محلی برای بهبود شرایط شهری از طریق انجمن‌ها و سازمان‌های محلی	مشارکت مردم از طریق انتخابات محلی و همچنین مشارکت در کمیته‌های محلی و جلسات شوراهای شهری به طور مستقیم نقش گسترده مشارکت فعال جامعه مدنی و نهادهای محلی در تصمیم‌گیری‌های شهری برنامه‌هایی برای تشویق مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری وجود دارند. انتخاب شهرداران و اعضای شوراهای شهر از طریق انتخابات محلی
تمرکززدایی	تمرکززدایی به طور نسبی اجرا شده است و دولت مرکزی هنوز نقشی چشمگیر در امور شهری دارد.	تمرکززدایی به طور گسترده‌تر اجرا شده است و نهادهای محلی اختیارات بیشتری در مدیریت امور شهری دارند.
چالش‌ها	تمرکزگرایی، کمبود منابع مالی و ضعف مشارکت شهروندان	کمبود ظرفیت در نهادهای محلی، فساد اداری و نابرابری منطقه‌ای

این دو کشور است. در ایران، نام «شورای اسلامی شهر» نشان‌دهنده نقش دین در ساختار مدیریتی است، اما در سنگال، با

البته می‌توانیم به فهرست تفاوت‌ها سه موضوع کلی را اضافه کنیم. اولین آن نقش دین در مدیریت شهری در مقایسه تطبیقی

تصمیم‌گیری‌های محلی دارند و نیز در سنگال، در راستای تمرکززدایی، اصلاحاتی قابل ملاحظه انجام داده‌اند. قانون تمرکززدایی^{xxi v} سال ۱۹۹۶ به شهرداری‌ها اختیارات بیشتری داده و آنها را در تصمیم‌گیری‌های محلی توانمندتر کرده است (Agence Française de Développement, 2021).

از طرف دیگر، هر دو کشور با چالش‌های مشابه شهری مواجه هستند. کلان‌شهرهای ایران با مشکلاتی مانند ترافیک سنگین، آلودگی هوا و کمبود فضای سبز مواجه هستند. این مشکلات نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق شهری هستند و داکار، پایتخت سنگال نیز با مشکلاتی مشابه از جمله ترافیک سنگین، مهاجرت روستایی به شهری و کمبود زیرساخت‌های شهری مواجه است. تلاش برای توسعه پایدار از طریق اجرایی‌کردن برنامه‌ها و پروژه‌های مدیریت زباله و بازیافت و بهبود محیط‌زیست و کاهش تأثیرات تغییرات اقلیمی یکی از اهداف مشترکی است که هر دو کشور در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های شهری آن را پیگیری می‌کنند و هر دو کشور پروژه‌هایی دارند که هدفشان کاهش آلودگی هوا و آب و افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر است.

آنچه از خلال بررسی‌های تفاوت‌ها و شباهت‌های سبک مدیریت شهری به دست می‌آید، این فرض است که دو کشور در حال حرکت از تمرکزگرایی در ساختارهای مرتبط با مدیریت شهری به سوی تمرکززدایی و واسپاری سیاسی هستند. و البته هر دو کشور دچار چالش‌هایی در این تغییر پارادایم هستند.

نتیجه‌گیری

این تحلیل‌ها نشان می‌دهند در حالی که هر دو کشور در راستای توسعه شهری و مشارکت مردم تلاش می‌کنند، رویکردها، ساختارها و تأکیدات فرهنگی و قانونی آنها ممکن است به طریقی قابل ملاحظه متفاوت باشند. به هر حال، می‌توانیم نتایج زیر را در مقایسه تطبیقی مدل مدیریت شهری دو کشور ایران و سنگال بیان کنیم:

۱- کارایی در اجرا: مدل مرکزی ایران می‌تواند در پروژه‌های بزرگ و یکنواختی سیاست‌ها موفق‌تر باشد، اما در پاسخ‌گویی به نیازهای محلی ممکن است کمتر کارآمد باشد.

وجود اینکه اسلام دین بیشتر مردم است، مدیریت شهری از دین جداست و اصطلاحات مذهبی در نام‌گذاری نهادهای مدیریتی استفاده نمی‌شوند. در ایران، قوانین و مقررات شهری باید با اصول اسلامی سازگار باشند، در حالی که در سنگال، مدیریت شهری بیشتر سکولار است و تحت تأثیر مستقیم قوانین مدنی قرار دارد و در حالی که هر دو کشور سیستم‌هایی برای مدیریت شهری دارند که شامل مشارکت مردم می‌شود، تفاوت‌هایی قابل ملاحظه در ساختار، قدرت‌گذاری و نقش ایدئولوژی در مدیریت وجود دارند. نظام حقوقی در ایران مبتنی بر قانون مدنی با تأثیرات شریعت اسلامی، به ویژه در مسائل خانوادگی و مدنی است. در سنگال، نظام حقوقی فرانسوی مدنی با تأثیرات سنتی و اسلامی، اما با جدایی بیشتر از دین در قوانین عمومی است. و البته به نظر می‌رسد در این باره باید مطالعه‌ای مستقل انجام شود.

دومین موضوع مدیریت بحران است که در ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی، مدیریت بحران بیشتر بر روی زلزله و خشکسالی متمرکز است و نهادهایی متمرکز مانند سازمان مدیریت بحران وجود دارند، اما در سنگال مدیریت بحران بیشتر بر روی مسائل مربوط به سیل، خشکسالی و بیماری‌های منطقه‌ای مانند مالاریا متمرکز دارد و تأکید بیشتر بر همکاری‌های بین‌المللی و دکوپلمان و نه مدیریت بحران داخل کشور است (Kempe & Chikulo, 2006).

و سومین مورد مربوط به نقش زنان در مدیریت شهری است. در ایران، با وجود پیشرفت‌ها، زنان هنوز در موقعیت‌های کلیدی مدیریت شهری کمتر دیده می‌شوند، اما در سنگال، زنان نقش بیشتری در مدیریت محلی دارند. برای مثال، در داکار، زنان به عنوان شهردار و در نقش‌های مدیریتی بالا بیشتر حضور دارند، در حالی که در ایران، اگرچه زنان در شوراهای شهر حضور دارند، تعداد کمی از آنها به مقام شهرداری می‌رسند.

تمرکززدایی و تلاش برای افزایش مشارکت محلی یکی از مقوله‌هایی است که هر دو کشور در تلاش برای اجرای آن هستند. در ایران، در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای تمرکززدایی و افزایش مشارکت محلی صورت گرفته است. برای مثال، ایجاد شوراهای شهر و روستا که از طریق انتخابات محلی برگزیده می‌شوند، یکی از این اقدامات است. این شوراهای نقشی مهم در

منابع در دسترس و تحلیل نظام‌مند، نتایجی مستدل و قابل اتکا ارائه شود.

یافته‌های نظری و کاربردی پژوهش

از بُعد نظری، این پژوهش تأیید می‌کند موفقیت مدل نیمه‌متمرکز صرفاً به تدوین قوانین محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند تحول در سه سطح است:

- ساختار سیاسی: ایجاد اراده سیاسی برای واگذاری واقعی اختیارات

- چارچوب نهادی: تقویت ظرفیت‌های نهادهای محلی
 - سرمایه اجتماعی: نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت‌جویی
- از بُعد کاربردی، این پژوهش راهکارهای عملیاتی زیر را پیشنهاد می‌دهد:

- بازنگری در قوانین مربوط به شوراهای و شهرداری‌ها به منظور افزایش اختیارات و استقلال عمل آنها
- تنوع‌بخشی به منابع درآمدی پایدار برای شهرداری‌ها
- ایجاد مکانیسم‌های نظارتی شفاف برای افزایش پاسخ‌گویی نهادهای محلی
- توانمندسازی جامعه مدنی و سمن‌ها برای مشارکت مؤثر در حکمرانی شهری

برای سنگال:

- تداوم سرمایه‌گذاری در تقویت ظرفیت‌های نهادهای محلی
- توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات برای بهبود خدمات شهری
- تعمیق همکاری‌های بین‌المللی برای انتقال تجربیات نوین

جمع‌بندی نهایی

تمرکززدایی و استقرار مدل حکمرانی نیمه‌متمرکز یک فرایند تدریجی، پیچیده و وابسته به بستر است. تجربه سنگال نشان می‌دهد با اراده سیاسی قوی، چارچوب قانونی مناسب و سرمایه‌گذاری در تقویت نهادهای محلی، می‌توان به نتایجی ملموس در بهبود حکمرانی شهری دست یافت. ایران نیز می‌تواند با بهره‌گیری از این تجربیات و بومی‌سازی آنها، گام‌هایی مؤثر در

۲- توسعه شهری: موفقیت در توسعه شهری به معیارهایی مختلف بستگی دارد. اگر به توسعه یکنواخت و کنترل‌شده از مرکز اهمیت دهیم، مدل ایران می‌تواند موفق‌تر به نظر برسد. اما اگر به انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای محلی اهمیت دهیم، مدل سنگال برتری دارد.

۳- مشارکت و رضایت مردم: مدل سنگال با تأکید بر دکوپلمان می‌تواند در افزایش مشارکت مردم و رضایت شهروندان موفق‌تر باشد، زیرا مردم احساس مالکیت بیشتری نسبت به مسائل محلی خود دارند.

۴- شفافیت و مبارزه با فساد: دکوپلمان می‌تواند با افزایش نظارت محلی، به کاهش فساد کمک کند، اگرچه در هر دو مدل، شفافیت و مبارزه با فساد به مکانیسم‌های نظارتی و قانونی بستگی دارد.

۵- جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای اجرای پروژه‌های شهری مانند حمل‌ونقل عمومی: در این مورد سنگال موفق‌تر عمل کرده است.

ایران می‌تواند از تجربیات سنگال در زمینه تمرکززدایی و جلب مشارکت محلی بهره‌برداری کند. و سنگال نیز می‌تواند از تجربیات ایران در زمینه توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی بهره‌برداری کند.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش با محدودیت‌های زیر مواجه بود:

دسترسی به داده‌های اولیه: دسترسی به برخی از آمار و گزارش‌های دقیق عملکردی شهرداری‌ها، به ویژه در رابطه با سنگال با دشواری همراه بود.

تفاوت در بسترها: وجود تفاوت‌های بنیادین در تاریخ، فرهنگ و ساختار سیاسی دو کشور که اگرچه به غنای تحلیل می‌افزاید، انجام مقایسه را پیچیده می‌کند.

تأثیر متغیرهای بیرونی: تأثیر عوامل کلان مانند تحریم‌های بین‌المللی بر ایران و نقش کمک‌های بین‌المللی در سنگال، به عنوان متغیرهای مداخله‌گر، از عواملی بودند که باید در تحلیل مورد ملاحظه قرار می‌گرفتند.

با وجود این محدودیت‌ها، سعی شد با اتکا به معتبرترین

و شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی است که می‌تواند مدیریت شهری را از چالش‌های موجود رهایی دهد. توسعه فناوری‌های هوشمند و استفاده از فناوری‌های نوین برای بهبود مدیریت حمل‌ونقل، خدمات شهری و کاهش آلودگی هوا و افزایش دسترسی به فناوری‌های ICT و نیز بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش دسترسی به خدمات دیجیتال شهری می‌تواند مدیریت شهری را در مسیر تمرکززدایی کمک کند.

در سنگال نیز تقویت زیرساخت‌های اساسی و توسعه حمل‌ونقل عمومی و ادامه توسعه پروژه‌های حمل‌ونقل عمومی مانند BRT و بهبود شبکه‌های حمل‌ونقل شهری و بهبود خدمات بهداشتی و منابع آب و توسعه زیرساخت‌های بهداشتی و مدیریت منابع آب برای پاسخ‌گویی به نیازهای جمعیت در حال رشد، نیز جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر از طریق همکاری‌های بین‌المللی و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه شهری و تشویق به سرمایه‌گذاری داخلی و ایجاد مکانیسم‌هایی برای تشویق سرمایه‌گذاران داخلی به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های شهری، این کشور را در مسیر رشد و توسعه قرار می‌دهند. همچنین، افزایش مشارکت محلی از طریق تقویت نهادهای محلی و افزایش اختیارات آنها برای تصمیم‌گیری‌های مستقل و کارآمد و اجرای برنامه‌های توسعه محلی با مشارکت فعال جامعه مدنی و نهادهای محلی و استفاده از فناوری‌های نوین و توسعه و استفاده از سامانه‌های هوشمند برای مدیریت منابع شهری و بهبود خدمات عمومی و افزایش دسترسی به ICT، بهبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش دسترسی به خدمات دیجیتال شهری، سنگال را در مسیر پویایی و موفقیت مدیریت شهری در مقابل چالش‌های موجود کمک می‌کنند.

هر دو کشور می‌توانند با بهره‌برداری از تجربیات و مدل‌های موفق یکدیگر، بهبودهایی قابل ملاحظه در مدیریت شهری خود ایجاد کنند.

این همکاری و تبادل تجربیات می‌تواند به توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان در هر دو کشور کمک کند.

راستای ایجاد نظام مدیریت شهری کارآمد، پاسخ‌گو و مشارکت‌محور بردارد.

مدل‌های مدیریت شهری در ایران و سنگال تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند. این تفاوت‌ها از ساختار حکومتی و سیاسی این دو کشور نشئت می‌گیرند و در جنبه‌هایی مختلف مانند میزان تمرکززدایی، نقش شوراهای مشارکت شهروندان مشهود هستند. سنگال به سمت تمرکززدایی بیشتر و مشارکت فعال‌تر شهروندان در امور شهری حرکت کرده است، در حالی که ایران هنوز با چالش‌هایی در زمینه تمرکززدایی و مشارکت شهروندان مواجه است.

درک این تفاوت‌ها و شباهت‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران شهری در هر دو کشور کمک کند تا از تجربیات یکدیگر برای بهبود سیستم مدیریت شهری خود استفاده کنند. به طور کلی، سنگال در زمینه تمرکززدایی و مشارکت شهروندان پیشرفت بیشتری نسبت به ایران داشته است، اما هر دو کشور با چالش‌هایی مشابه در زمینه مدیریت شهری مواجه هستند.

تمرکززدایی یا اجرای سیاست واسپاری به‌خودی‌خود یک پایان نیست، بلکه باید بخشی از یک راهبرد گسترده‌تر توسعه سرزمینی باشد. نتایج عدم تمرکز در مدیریت شهری تا حد زیادی به نحوه طراحی و اجرای فرایند، ظرفیت کافی و کیفیت حاکمیت چندسطحی، از جمله مکانیسم‌های هماهنگی کارآمد در سطوح دولت بستگی دارد.

افزایش اختیارات محلی و دادن اختیارات بیشتر به شهرداری‌ها و شوراهای شهر در ایران برای تصمیم‌گیری‌های محلی می‌تواند به افزایش کارایی و انعطاف‌پذیری در مدیریت شهری کمک کند و نیز تقویت نقش و اختیارات شوراهای شهر در تصمیم‌گیری‌ها و بودجه‌بندی می‌تواند به بهبود مشارکت محلی کمک کند. تنوع‌بخشی به منابع مالی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تنوع‌بخشی به منابع مالی شهرداری‌ها از طریق توسعه صنایع غیرنفتی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ایجاد محیط‌های کسب‌وکار دوستانه و برطرف کردن موانع برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از جمله موارد پیشنهادی برای حرکت ایران به سمت تمرکززدایی هستند و تشویق به مشارکت مردمی و ایجاد مکانیسم‌هایی برای تشویق به مشارکت فعال‌تر جامعه مدنی

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- بررسی تطبیقی مکانیسم‌های نظارتی بر عملکرد نهادهای محلی در ایران و سنگال
 - سنجش میزان رضایت شهروندان از عملکرد مدیریت شهری در دو کشور
 - تحلیل چالش‌های اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی در شهرداری‌های ایران و سنگال
 - مطالعه نقش فناوری‌های نوین در بهبود حکمرانی شهری نیمه‌متمرکز
- این پژوهش گامی در راستای درک بهتر الزامات استقرار موفق مدل نیمه‌متمرکز در مدیریت شهری است و می‌تواند چارچوبی مناسب برای سیاست‌گذاری و پژوهش‌های آینده در این حوزه فراهم آورد.

منابع

- چاوشیان، مترجم). نشر نی.
- پرهیزکار، اکبر، و فیروزبخت، علی (۱۳۹۰). چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری. نشریه جغرافیای سرزمین، ۸(۴)، ۴۳-۶۷.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1089716>
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین، یآوری، اسداله، و احمدی، مریم (۱۳۹۸). چالش‌های نظام حقوقی مدیریت یکپارچه شهری در ایران، با تأکید بر تمرکززدایی و توسعه پایدار شهری. جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹(۴)، ۵۳۵-۵۵۴.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.4.5.5>
- ریگین، چارلز (۱۴۰۲). روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کیفی و کمی (محمد فاضلی، مترجم). نشر آگه.
- سرایی، حسن (۱۴۰۰). نمونه‌گیری در تحقیق. انتشارات سمت.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه (۱۴۰۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. نشر آگاه.
- شریف‌زاده، فتاح، و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. مجله فرهنگ مدیریت سازمانی، ۱(۲)، ۹۳-۱۰۹.
https://jomc.ut.ac.ir/article_14192.html
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی (هادی جلیلی، مترجم). نشر نی.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۱). روش و تحقیق کیفی (مجتبی براری، اشکان الهیاری و طهمورث حسینی‌پور، مترجمان). نشر نگاه دانش.
- کشوردوست، سمانه، و احمدی، حسین (۱۴۰۰). واکاوی موانع و چالش‌های تحقق تمرکززدایی در چارچوب شوراهای اسلامی در جمهوری اسلامی. سیاست‌گذاری عمومی، ۱۷(۱)، ۱۷۵-۱۹۷.
<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.81994>
- کریمی، صمد (۱۴۰۳). بررسی تاریخچه پیدایش و ساختار مدیریت شهرداری‌ها. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۸، ۵۳۸-۵۴۷.
<https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/2838>
- مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی. (۱۳۵۸). لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مقررات قانون نوسازی و عمران شهری (ماده ۱
- احتشامی، حسین (۱۳۷۸). قانون شهرداری‌ها، پس از چهل سال. ماهنامه شهرداری‌ها، ۵، ۲۶-۲۹.
<https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=8&DC=62846>
- اشتریان، کیومرث، و کریمی فرد، حسن (۱۳۹۵). نقد و بررسی عملکرد شوراهای اسلامی شهر در ایران. دولت‌پژوهی، ۲(۷)، ۱۳۲-۹۵.
<https://sid.ir/paper/255338/fa>
- اکبری، غضنفر (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری. تحقیقات جغرافیایی جغرافیایی، ۲۱(۴)، ۱۳۵-۱۵۳.
<https://sid.ir/paper/442307/fa>
- باقرنزاد، الناز، و نیکبخت، الناز (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی مدل‌های حکمرانی مناطق کلانشهری: تعادل میان تمرکززدایی و تمرکز. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۰(۱)، ۳۷-۵۳.
<https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.394202.673072>
- برک‌پور، ناصر، و اسدی، ایرج (۱۴۰۱). عرصه‌های گذار به مدیریت شهری یکپارچه در ایران با تأکید بر وظایف، کارکردها و صلاحیت‌های شورای شهر و شهرداری. اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۳(۲)، ۸۱-۷۰.
<https://doi.org/10.22034/uep.2022.319517.1151>
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۵). طراحی پژوهش‌های اجتماعی (حسن

- metropolitan areas: The balance between decentralization and centralization. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 30(1), 37-53.
<https://doi.org/10.22059/jfaup.2025.394202.673072> [In Persian]
- Bardhan, P. (2002). Decentralization of governance and development. *Journal of Economic Perspectives*, 16(4), 185-205.
<http://www.jstor.org/stable/3216920>
- Barry, B. (2001). *Senegambia: Advocating for a regional historical perspective*. South-South Exchange Programme for Research on the History of Development (SEPHIS) and the Centro de Estudos Afro-Asiáticos, Universidade Candido Mendes, Brazil. https://sephis.org/wp-content/uploads/2021/06/LT5_Barry_2001_SenegambiaEN.pdf
- Barakpour, N., & Asadie, I. (2022). Areas of transition to integrated urban management in Iran, with emphasis on the duties, functions, and competencies of the city council and municipality. *Urban Economics and Planning*, 3(2), 70-81.
<https://doi.org/10.22034/uep.2022.319517.1151> [In Persian]
- Beliki, N. (2016). *Designing social research* (H. Chaveshian, Trans.). Ney Publication. [In Persian]
- Cities Alliance & African Development Bank. (2022). *The dynamics of systems of secondary cities in Africa: Urbanisation, migration and development* (B. H. Roberts & G. O. Aryumba, Eds.). Cities Alliance.
https://www.afdb.org/sites/default/files/2022/05/16/the_dynamics_of_systems_of_secondary_cities_in_africa_urbanisation_migration_and_development_-2022.pdf
- Cresweel, W. (2012). *Qualitative research method and design* (M. Berari, A. Allahyari & T. Hasanqalipour, Trans.). Publication of Negha Danesh. [In Persian]
- Ehteshmai, H. (1999). Law of municipalities after 40 years. *Municipalities Monthly*, 5, 26-29.
<https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DT C=8&DC=62846> [In Persian]
- Evans, P. (1996). Government action, social capital and development: Reviewing the evidence on synergy. *World Development*, 24(6), 1033-1045.
[https://doi.org/10.1016/0305-750X\(96\)00021-6](https://doi.org/10.1016/0305-750X(96)00021-6)
- Farvacque-Vitkovic, C., & Godin, L. (2000). *Senegal - The Urban Development and Decentralization Program*. World Bank, Washington, DC.
<https://doi.org/10.1596/9838>
- Flick, U. (1999). *An introduction to qualitative research*. (H. Jalili, Trans.). Ney Publications. [In Persian]
- و ۲). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98216>. مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی. (۱۳۷۵). قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران.
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92681>
- مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی. (۱۳۸۶). قانون مدیریت خدمات کشوری. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/130021>
- مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی. (۱۳۸۹). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰-۱۳۹۴)
- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>
- معلمی، مژگان (۱۳۹۶). تأثیر توانمندی و کارآمدی دولت‌های محلی بر اجرای سیاست تمرکززدایی. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۹۹-۷۳، ۴(۲).
https://economics.ihcs.ac.ir/article_3526.html?lang=en
- موسوی شفاپی، سید مسعود، کارگرسامانی، امیر، کردنائیج، اسدالله، و خداداد حسینی، سید حمید (۱۴۰۰). سنجش حکمرانی خوب شهری برای شهرهای جهانی. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۹(۱)، ۱۶۷-۱۴۷.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2322200.1394.19.1.75>
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۳). مدیریت شهری در ایران (محدودیت‌ها، چالش‌ها و راهکارها). فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱، ۷۵-۱۰۰.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351162.1383.1.27.3.5>
- ## References
- Agence Française de Développement. (2021). *Sénégal* [Page pays]. <https://algerie.afd.fr/fr/page-region-pays/senegal>
- Akbari, Gh. (1385). Social capital and urban governance. *Geographical Research*, 21(4), 135-153. <https://sid.ir/paper/442307/fa> [In Persian]
- Ashtarian, K., & Karimifard, H. (2016). Analysis of the performance of the Islamic City Councils in Iran. *State Studies*, 2(7), 95-132.
<https://sid.ir/paper/255338/fa> [In Persian]
- Bačlija, I. (2011). Local management and new public management. *Urbani Izziv* 22(2), 137-146.
<https://doi.org/10.5379/urbani-izziv-en-2011-22-02-006>
- Baghernezhad, E., & Nikbakht, E. (2025). A comparative analysis of governance models of

- Decentralization, the new public management, and the changing role of the public sector in Africa. *Public Management* 2(1), 25-42. <https://doi.org/10.1080/146166700360145>
- Keshvardoost, S., & Ahmadi, H. (2021). Investigating the obstacles and challenges of decentralization within the framework of Islamic councils in the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of Public Policy*, 7(1), 175-197. <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2021.81994> [In Persian]
- Latifi, G. (2004). Urban management in Iran. *Social Sciences*, 11, 75-100. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351162.1383.1.1.27.3.5> [In Persian]
- Lecuna, A. (2012). Corruption and size decentralization. *Journal of Applied Economics*, XV(1), 139-168. <https://ideas.repec.org/a/cem/jaecon/v15y2012n1p139-168.html-4450-b9be-9532af134cb2>
- Mousavi Shafae, S. M., Kargar Samani, A., Kordnaei, A., & Khodadad Hosseini, S. H. (2021). Measuring the world/global city good governance. *Management Research in Iran*, 19(1), 147-167. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2322200.1394.19.1.7.5> [In Persian]
- Ndiaye, M. L. (2012). Urban agriculture in Dakar, Senegal: Health aspects related to polluted irrigation water. In *Sustainable cities: Local solutions in the global south* (pp. 33-46). Practical Action Publishing. <https://doi.org/10.3362/9781780440002.003>
- Mattingly, M. (1994). Meaning of urban management: Reply. *Cities*, 11(3), 201-205. [https://doi.org/10.1016/0264-2751\(94\)90065-5](https://doi.org/10.1016/0264-2751(94)90065-5)
- Moalemei, M. (2018). The effect of capability and effectiveness of local governments on the administration of decentralization policy. *Journal of Iranian Economic Issues (JIEI)*, 4(2), 73-99. https://economics.ihcs.ac.ir/article_3526.html?lang=en99 [In Persian]
- Parhizkar, A., & Firoozbakht, A. (2011). Prospects of urban management in Iran with an emphasis on sustainable urban development. *Journal of Geography of Territory*, 8(4), 43-67. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1089716> [In Persian]
- Qates, W. E. (1972). *Fiscal federalism*. New York: Harcourt Brace Jovanovich. <https://www.jstor.org/stable/30022712>
- Raga Lay, M., Daeng, E., & Therik, J. (2023). Realizing good local governance through local government apparatus empowerment strategy. *International Journal of Scientific Research*, 10(1), 1-10. <https://www.ijournal.ir/index.php/ma/article/view/2838> [In Persian]
- Faguet, J. P. (2014). Decentralization and governance. *World Development*, 53, 2-13. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2013.01.002>
- Furusawa, A., & Konishi, D. (2008). *Contributing or free-riding? A theory of endogenous lobby formation* (FEEM Working Paper No. 23.2008). Fondazione Eni Enrico Mattei. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1115734>
- Goldsmith, M. J., & Page, E. C. (Eds.). (2010). *Changing government relations in Europe: From localism to intergovernmentalism* (1st ed.). Routledge.
- Hooghe, L., & Marks, G. (2021). Multilevel governance and the coordination dilemma. In A. Benz, J. Broschek, & M. Lederer (Eds.), *A research agenda for multilevel governance* (pp. 19-36). Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781789908374.00008>
- Inikori, J. E. (1977). Review of Economic Change in Precolonial Africa: Senegambia in the Era of the Slave Trade, by P. D. Curtin. *Journal of the Historical Society of Nigeria*, 8(4), 173-176. <http://www.jstor.org/stable/44734380>
- Islamic Council Research Center. (1979). *Legal Bill Amending Parts of the Provisions of the Urban Renewal and Reconstruction Law (Articles 1 and 2)*. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98216> [In Persian]
- Islamic Council Research Center. (1996). *Law on the Formation, Duties, and Elections of the Islamic Councils of the Country and the Election of Mayors*. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92681> [In Persian]
- Islamic Council Research Center. (2007). *Civil Service Management Law*. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/130021> [In Persian]
- Islamic Council Research Center. (2010). *The Fifth Five-Year Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran (2011-2015)*. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196> [In Persian]
- Karimi, S. (2024). Investigating the history of the origin and management structure of municipalities. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 8, 538-547. <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/2838> [In Persian]
- Kauzya, J.-M. (2005). *Decentralization: Prospects for peace, democracy and development*. <https://www.researchgate.net/publication/277295029>
- Kempe, R. H., & Chikulo, B. C. (2006, July 28).

- economic growth: A cross-sectional examination of US metropolitan areas. *Journal of Urban Economics*, 57(1), 55–72. <https://doi.org/10.1016/j.jue.2004.08.002>
- Tanzi, V. (1996). Fiscal federalism and decentralization: A review of some efficiency and macroeconomic aspects. In *Annual World Bank Conference on Development Economics 1995* (pp. 295–316). World Bank.
- United Nations Development Programme (UNDP). (2011). *UNDP in Senegal: Evaluation brief*. <https://erc.undp.org/evaluation/documents/download/11546>
- United Cities and Local Governments of Africa (UCLG Africa). (2022). *Annual report 2022*. <https://knowledgehub.uclga.org/wp-content/uploads/2023/09/annualreport2022.pdf>
- United Nations. (2017). *New Urban Agenda* (A/RES/71/256).
- Van Dijk, M. P. (2006). *Managing cities in developing countries: The theory and practice of urban management*. Edward Elgar Publishing.
- Williamson, O. E. (2010). The new institutional economics: Taking stock, looking ahead. *Journal of Economic Literature*, 48(3), 595–613. <https://doi.org/10.1257/jel.48.3.595>
- Yap, K. S. (2012). The challenges of promoting productive, inclusive and sustainable urbanization. In K. S. Yap & M. Thuzar (Eds.), *Urbanization in Southeast Asia: Issues & impacts* (pp. 10–78). Institute of Southeast Asian Studies (ISEAS).
- 12(4). <https://doi.org/10.55324/josr.v2i8.1311>
- Ramadani Qavamabadi, M. H., Yavari, A., & Ahmadi, M. (2019). Challenges for the integrated urban management system in Iran, with emphasis on decentralization and sustainable urban development. *Geography and Regional Planning (GRP)*, 9(4), 535–554. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.4.5.5> [In Persian]
- Rigin, Ch. (2024). *Comparative method beyond qualitative and quantitative strategies* (M. Fazeli, Trans.). Agah Publication. [In Persian]
- Rodden, J. (2004). Comparative federalism and decentralization: On meaning and measurement. *Comparative Politics*, 36(4), 481–500. <http://www.jstor.org/stable/4150172>
- Rodríguez-Pose, A., & Ezcurra, R. (2010). Does decentralization matter for regional disparities? A cross-country analysis. *Journal of Economic Geography*, 10(5), 619–644. <https://doi.org/10.1093/jeg/lbp049>
- Saraie, H. (2022). *An introduction to sampling in research*. Samt Publication. [In Persian]
- Sarmad, Z., Bazargan, A., & Hejazi, E. (2024). *Research methods in behavioral sciences*. Agah Publication. [In Persian]
- Shah, A. (Ed.). (2006). *Local governance in developing countries*. The World Bank.
- Sharifzadeh, F., & Gholipor, R. (2003). Good governance and the role of the government. *Organizational Culture Management*, 1(2), 93–109. https://jomc.ut.ac.ir/article_14192.html [In Persian]
- Stansel, D. (2005). Local decentralization and local
-
- xiii Conection
- xiv Deconnection
- xv Raga Lay
- xvi Tanzi
- xvii Rodríguez-Pose & Ezcurra
- xviii Conseil Régional
- xix Conseil Départemental
- xx Conseil Municipal
- xxi Maire
- xxii GIRMAC
- xxiii PAGU
- xxiv Code des Collectivités Locales
- ⁱ Political Delegation
- ⁱⁱ WTO
- ⁱⁱⁱ Goldsmith & Page
- ^{iv} Qates
- ^v Bačlija
- ^{vi} Mattingly
- ^{vii} Faguet
- ^{viii} Lecuna
- ^{ix} Shah
- ^x Rodden
- ^{xi} Furusawa & Konishi
- ^{xii} Kauzya